

Industrialization policy of Iran in Reza Shah era and its fields and consequences

Hasan Shokrzadeh^{1*}

¹ ph.D. in History of Iran, Education teacher. hasanshokrzadeh01@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	The establishment of the quasi-modern Pahlavi state by Reza Shah in 1925, in addition to its regional and domestic political effects, caused dramatic changes in the economic, cultural, religious, and educational spheres of Iran. One of the most important of these effects is in the economic field and in relation to the prosperity and development of industries. This article discusses the reasons for the formation of the industrial development policy and its effects and results. The main hypothesis of the article is that the formation of modernizing and renovation policies by the Reza Shah government on the one hand, and the occurrence of the global economic crisis and its impact on the deterioration of the country's economic situation were among the main reasons for adopting a policy of paying attention to industries and realizing industrial development. The findings of the research show that by adopting strict economic laws such as the Foreign Trade Monopoly Law, the Reza Shah government was able to control the waves of the economic crisis in the country to some extent by paying attention to industries, creating a positive trade balance, and not importing manufactured goods. This led to the formation of some industrial activities in the country and the creation of workshops and light and semi-heavy industries across the country. However, the dimensions of the industrialization policy, due to the lack of attention to the economic realities of Iran, especially the neglect of the agricultural sector, could not make a significant and major contribution to economic production and improving the economic situation of the country.
Received: 29 April 2025	
Accepted: 16 December 2025	
Keywords: Iran, Industrialization, Foreign Trade Monopoly Law, Reza Shah	

Cite this article: Shokrzadeh, Hasan (2025) *Industrialization policy of Iran in Reza Shah era and its fields and consequences*, History of Industry, Vol 1, No 2, Winter, 2025, pages: 89-109.

DOI: 10.30479/hi.2026.21753.1004



© The Author(s).

Publisher: Imam Khomeini International University

***Corresponding Author:** Hasan Shokrzadeh

Address:

E-mail: hasanshokrzadeh01@gmail.com

صنعتی سازی ایران در دوره رضاشاه

(زمینه ها و پیامدها)

(آذر ۱۳۰۴ - شهریور ۱۳۲۰)

حسن شکرزاده^{۱*}

^۱ دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دبیر آموزش و پرورش hasanshokrzhadeh01@gmail.com.

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله:	تأسیس دولت شبه مدرن رضاشاه پهلوی در سال ۱۳۰۴ ش علاوه بر تأثیرات سیاسی منطقه ای و داخلی، موجب تغییرات شگرفی در حوزه های اقتصادی، فرهنگی، مذهبی و آموزشی ایران شد. یکی از مهم ترین این تأثیرات در زمینه اقتصادی و در ارتباط با رونق و توسعه صنایع است.
مقاله پژوهشی	در مقاله حاضر به دلایل شکل گیری سیاست توسعه صنعتی و آثار و نتایج آن پرداخته می شود. فرضیه اصلی مقاله بر این قرار دارد که شکل گیری سیاست های تجددخواهانه و نوسازی دولت رضاشاه از یک سو و وقوع بحران اقتصادی جهانی و تأثیر آن بر وخامت وضعیت اقتصادی کشور، از جمله دلایل اصلی اتخاذ سیاست توسعه صنعتی بود.
دریافت:	یافته های تحقیق نشان می دهد که دولت رضاشاه با اتخاذ قوانین سختگیرانه اقتصادی مانند قانون انحصار تجارت خارجی توانست تا حدودی امواج بحران اقتصادی در کشور را از طریق توجه به صنایع و ایجاد تراز مثبت تجاری و وارد نکردن کالاهای ساخته شده کنترل کند. همین امر موجب شکل گیری برخی فعالیت های صنعتی در کشور و ایجاد کارگاه ها و صنایع سبک و نیمه سنگین در سطح کشور شد؛ اما ابعاد سیاست صنعتی سازی به دلیل توجه نکردن به واقعیت های اقتصادی ایران، به خصوص نادیده گرفتن بخش کشاورزی و نیز فقدان نگاه بلندمدت به موضوع صنعتی سازی، نتوانست سهم مهم و عمده ای را در تولید اقتصادی و بهبود وضعیت اقتصادی کشور به وجود آورد.
۱۴۰۴/۰۲/۰۹	واژه های کلیدی: ایران، توسعه صنعتی، قانون انحصار تجارت خارجی، رضاشاه.
پذیرش:	
۱۴۰۴/۰۹/۲۵	

استناد: شکرزاده، حسن (۱۴۰۴)، صنعتی سازی ایران در دوره رضاشاه (زمینه ها و پیامدها) (آذر ۱۳۰۴ - شهریور ۱۳۲۰)، تاریخ صنعت، سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۴۰۴، صص ۸۹-۱۰۹.

DOI: 10.30479/hi.2026.21753.1004



حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

طرح مسئله

با روی کار آمدن رضاشاه و تأسیس دولت شبه‌مدرن پهلوی، با توجه به سیاست‌های نوسازانه و تجددخواهانه وی، زمینه ایجاد صنایع بزرگ و آغاز توسعه صنعتی در ایران فراهم شد. صنعتی‌سازی کشور با مشکلات و محدودیت‌هایی مواجه بود که لزوم غلبه بر این مشکلات، دخالت دولت را ایجاب می‌کرد. طرح و تصویب قوانین حمایتی در زمینه تشویق مردم به استفاده از تولیدات داخلی، ایجاد ممنوعیت و محدودیت در واردات کالاهای تجملی خارجی، ازجمله تدابیری بود که دولت پهلوی در همان سال‌های اولیه تأسیس خود برای بهبود وضعیت اقتصادی و تجاری کشور به انجام آن‌ها مبادرت کرد. از سوی دیگر، وضعیت اقتصادی کشور به دلیل تأثیرات ناشی از نوسان‌های اقتصاد جهانی و افزایش نیازهای ارزی دولت به دنبال آغاز برنامه‌های نوسازانه هزینه‌بری مانند راه‌آهن سراسری، به سمت بحرانی شدن سوق پیدا کرد. دولت سعی کرد با افزایش میزان دخالت خود در امور اقتصادی از طریق وضع قوانین محدودکننده تجاری و ارزی، از تعمیق بحران مزبور جلوگیری کند؛ ولی بحران همچنان ادامه یافت و با هم‌زمانی آن با بحران اقتصادی بزرگ جهان در سال ۱۹۲۹ م این روند شدت پیدا کرد. در ماه‌های پایان سال ۱۳۰۹ ش، دولت با وجود اتخاذ تدابیر کنترلی و دخالتی به‌خصوص در حوزه ارز، هنوز نتوانسته بود امواج بحران اقتصادی را که ناشی از توازن نداشتن تجاری ممتد کشور در سالیان اخیر بود، مهار کند؛ بنابراین، در آخرین اقدام، دولت رضاشاه مصمم به کنترل انحصاری مهم‌ترین منبع درآمد ارزی کشور، یعنی تجارت خارجی شد. این اقدام را دولت با به تصویب رساندن «لایحه قانون انحصار تجارت خارجی» در ۶ اسفند ۱۳۰۹ انجام داد. تصویب قانون انحصار تجارت خارجی در راستای رسیدن به اهدافی مانند ایجاد توازن تجاری، مقابله با آثار بحران اقتصادی جهان، افزایش صادرات و تولید داخل و تسریع در روند توسعه صنعتی کشور بود؛ بنابراین، پرسش اصلی و فرضیه مقاله حاضر به این ترتیب است:

پرسش اصلی:

سیاست صنعتی‌سازی ایران در دوره رضاشاه معلول چه عواملی و میزان کارایی آن در تحقق اهداف تعریف‌شده تا چه اندازه بود؟

فرضیه مقاله:

مقاله حاضر فرضیه زیر را به آزمون می گذارد که سیاست صنعتی سازی ایران در دوره رضاشاه به دلیل شکل گیری سیاست های تجددخواهانه و نوسازی از سوی دولت رضاشاه و وقوع بحران اقتصادی جهانی و تأثیر آن بر وخامت وضعیت اقتصادی کشور، به صورتی ناقص فقط در امر توسعه صنایع سبک و مصرفی و نه صنایع مادر و بدون توجه به بخش کشاورزی، مورد توجه جدی و اساسی قرار گرفت.

این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی با استناد به منابع و سالنامه های آماری مراکز اقتصادی، اسناد آرشیوی، آرشیو مطبوعات و سایر منابع و کتاب های تحقیقی و اصلی مربوط به این دوره نگاشته شده است.

با توجه به اهمیت بحث توسعه صنعتی در دوره رضاشاه و تأثیر آن در رونق اقتصادی، تا کنون مباحث و مقاله های زیادی در این خصوص از طرف محققان مختلف نگاشته و ارائه شده است. در خصوص فرایند صنعتی شدن ایران در عصر پهلوی اول، محققان زیادی داوری های متفاوتی انجام داده اند. فوران، سیاست توسعه صنعتی دولت رضاشاه را نوعی سیاست راه اندازی صنایع مصرفی و پیروی از «سیاست صنعتی سازی جایگزین واردات» می داند و آن را به دلایلی مثل تخصیصی بودن صنایع، انجام ندادن این سیاست از روی برنامه ای مشخص و هزینه های گراف این سیاست، ناموفق ارزیابی کرده است (فوران، ۱۳۷۸: ۳۵۳). آبراهامیان بدون اشاره به رابطه و تأثیر بین سیاست توسعه صنعتی و قانون انحصار تجارت خارجی، به طور ضمنی بر موفقیت آمیز بودن این سیاست تأکید کرده است (آبراهامیان، ۱۳۷۶: ۱۳۴). کاتوزیان نیز در بررسی اقتصاد ایران در این دوره، سیاست صنعتی سازی ایران در این عصر را با ارائه آمارهایی دارای رشد جهشی دانسته است؛ هرچند که در ارزیابی کلی، این نوع سیاست گذاری را به دلیل در پیش نبودن برنامه و هدف خاصی موجب اتلاف منابع مالی کشور و بیهوده دانسته است (کاتوزیان، ۱۳۶۶: ۱۸۱-۱۸۵). در مقاله «قانون انحصار تجارت خارجی؛ زمینه ها، اهداف و پیامدها» که اخیراً منتشر شده است، مسئله صنعتی سازی ایران در عصر رضاشاه و رابطه آن با قانون انحصار تجارت خارجی مورد توجه قرار گرفته است؛ اما ابعاد مختلف و جزئیات آن به دقت مورد توجه و ارزیابی قرار نگرفته است (فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران، دانشگاه الزهراء: سال ۲۱، شماره ۱۱ دوره جدید، پاییز ۱۳۹۰).

مسئله مهمی که در بررسی توسعه صنعتی ایران در دوره رضاشاه و به طور کلی حوادث این دوره باید توجه کرد، درهم تنیدگی گرایش ها و وابستگی های سیاسی برخی محققان و مؤلفان با مقوله پژوهش تاریخی است که موجب تحلیل ها و برداشت های گاه ناصواب و یکسویه شده است و همین باعث شده است که موضوع توسعه صنعتی در ایران عصر رضاشاه با قضاوت ها و واکنش های شتاب آلود مثبت و منفی فراوانی مواجه شود. هدف این مقاله فارغ از هرگونه جهت گیری سیاسی، بررسی به طریقه علمی و عینی روند توسعه صنعتی ایران در این دوره بر اساس داده های آماری و گزارش های اقتصادی دقیق است.

الف) زمینه ها:

۱. وضعیت اقتصادی ایران هم زمان با تأسیس دولت پهلوی:

اقتصاد ایران در اوایل دوره پهلوی بر تولید و صدور محصولات کشاورزی خام و فرآوری شده مبتنی بود که در کنار آن، صدور برخی تولیدات صنایع بومی و دستی مانند انواع فرش و چرم نیز بخش دیگر این صادرات را تشکیل می داد. صنایع و تولید صنعتی نقشی تعیین کننده در اقتصاد و تجارت خارجی کشور نداشت. صنعت در ایران نامی فراموش شده بود؛ زیرا ناتوانی صنایع قدیمی در رقابت با تولیدات خارجی و ورود بی رویه اینگونه کالاها و اقلام ساخته شده اجازه هیچ گونه فعالیت گسترده صنعتی را نمی داد. به همین دلیل نیز هیچ کس در اندیشه تأسیس مؤسسات صنعتی نبود و دستجات کثیر صنعتگران یزدی و کرمانی، دستگاه های صنعتی خود را از شدت پریشانی و استیصال دور انداخته به اطراف و اکناف مملکت آواره و پراکنده یا به خارج از ایران هجرت کرده بودند (اتاق تجارت، سال ۳، شماره ۳۴-۳۵، سوم اسفند ۱۳۱۰، ص ۱۴). در چنین شرایطی دولت نمی توانست از ناحیه صنعت درآمدی داشته باشد؛ زیرا تا سال ۱۳۱۰ تنها ۶۱ واحد صنعتی در کشور فعالیت داشتند که با افراد یا سرمایه های خصوصی تأسیس شده بودند. صنایع کبریت سازی، توتون و سیگار، کش بافی و جوراب بافی، پنبه پاک کنی، صابون سازی، شیشه گری، برنج پاک کنی و آجرپزی، از مهم ترین صنایعی بودند که در این سال ها فعالیت می کردند (اداره کل تجارت، ۱۳۱۴: ۱۶). نکته مهم در سال های ۱۳۰۴-۱۳۱۰ به نقش دولت در بخش صنعت مربوط می شود که بر اساس این گزارش ها تا سال ۱۳۱۱

دولت ایران هیچ نوع کارخانه صنعتی انتفاعی نداشت و بخش صنعت در واقع بخشی فراموش شده از سوی دولت محسوب می شد (همان، ص ۱۵). در نتیجه، درآمدهای اصلی دولت به غیر از صادرات انواع محصولات کشاورزی، از محل درآمدهای حاصل از پرداخت حق امتیاز سهام شرکت نفت انگلیس، عواید گمرکی و اجرای قوانین انحصاری بود که بر واردات و صادرات محصولاتی چون توتون و تنباکو، قند و شکر و چای وضع شده بود (اداره مالیه، راپورت ۱۳، ص ۲۲). بروز بحران اقتصادی در داخل کشور نتیجه تأثیر عوامل و وضعیت جهان بعد از جنگ جهانی اول بود و برنامه دولت رضاشاه در پیشبرد نوسازی و تجدد موجب اهمیت یافتن بخش صنعت و تولیدات مربوط به آن در سیاست گذاری های دولتی و حضور دولت در زمینه توسعه و گسترش صنعت در کشور شد.

۲. اهمیت و ضرورت توسعه صنعتی در سیاست های دولت رضاشاه:

توجه به مقوله توسعه صنعتی در برنامه ریزی های دولت پهلوی معلول تحولات داخلی و خارجی بود. از نظر جهانی، اقتصاد ایران در دوره بعد از جنگ جهانی اول به شدت تحت تأثیر بحران ها و مسائل ناشی از وضعیت اقتصادی دوره بعد از جنگ قرار گرفته بود. بروز بحران در روابط تجاری ایران و شوروی، کاهش جهانی نرخ نقره که پایه پولی ایران (قران) را تشکیل می داد و در نهایت، افزایش میزان عرضه جهانی محصولات کشاورزی، موجب کاهش شدید نرخ محصولات و فرآورده های حاصل از این محصولات در بازارهای جهانی شده بود؛ بنابراین، موازنه تجاری و پرداخت های خارجی کشورهایی مانند ایران با مشکلات فراوانی مواجه شد (اداره مالیه، راپورت ۱۶، ص ۱۳). با توجه به اینکه در دهه ۱۹۲۰ کشاورزی بخش غالب فعالیت های اقتصادی و مبادلات تجاری را تشکیل می داد، سقوط ناگهانی قیمت محصولات کشاورزی تأثیری ناخوشایند بر اقتصاد ملی کشورهای که تنها صادرکننده این نوع اقلام بودند، گذاشته بود. میانگین شاخص قیمت تولیدی محصولات کشاورزی و هزینه تولید آن که در سال های ۱۹۰۹-۱۹۱۴ رقم ۱۰۰ فرض شده بود، در سال ۱۹۱۸ به ۲۰۰ رسید (قیمت فروش دو برابر هزینه تولید) و در آستانه سال ۱۹۲۹ و بحران بزرگ اقتصادی جهان، به رقم ۱۳۸ تنزل کرده بود و در ادامه بحران مزبور، این شاخص در سال ۱۹۳۲ به منطقه بحرانی ۵۷ رسید (گالبرایت، ۱۳۸۰: ۹۸-۹۹). چنین وضعیتی موجب تنزل درآمدهای ارزی کشورهایی شد که بر

صادرات و فروش محصولات خام کشاورزی تکیه داشتند. چنانچه در همان زمان، درآمد کوبا از بابت صادرات شکر تا ۹۰ درصد و درآمدهای کشورهای چین، آرژانتین و استرالیا از بابت صادرات فرآورده‌های دامی به ترتیب ۸۰ درصد، ۴۰ درصد و ۵۰ درصد کاهش داشت (تایپتون و الدریج، ۱۳۸۵: ۲۹۷-۳۰۰). این کاهش نرخ واقعی ارزش کالاهای کشاورزی موجب شد تا کشورهای صادرکننده محصولات کشاورزی، میزان صادرات و فروش فرآورده‌های کشاورزی خود را به چند برابر افزایش دهند تا بتوانند کسری ناشی از کاهش قیمت‌ها را جبران کنند؛ اما این واکنش در عمل به انباشت و افزایش میزان عرضه این کالاها در بازار منجر شد که بر اساس قانون مسلم اقتصادی «عرضه و تقاضا»، محکوم به کاهش مجدد قیمت گردید؛ برای نمونه، در همان سال‌های بحران (۱۹۲۹-۱۹۳۲)، صادرات گندم شوروی با وجود آنکه ۲۳ برابر افزایش یافته بود، سود حاصل از این افزایش در سال ۱۹۳۲ در مقایسه با سال ۱۹۲۸ تنها ده برابر بود (همان: ۲۹۸). این وضعیت در موقعیت تجاری و اقتصادی کشورهای تولیدکننده مواد خام کشاورزی، شرایط حادی را به وجود آورده بود؛ زیرا هرچه قیمت‌ها کاهش می‌یافت، نیاز این کشورها به تولید و فروش محصولات خام کشاورزی بیشتر می‌شد و به همان اندازه که بیشتر محصولات صادراتی خود را به بازارها وارد و به معرض فروش می‌گذاشتند، با تنزل مداوم قیمت مواجه می‌شدند.

ایران نیز به دلیل موقعیت حاشیه‌ای که در نظام جهانی از نظر تولید مواد خام داشت، دچار وضعیت نامطلوبی از نظر موازنه تجاری شد؛ زیرا ارزش ریالی مواد خام صادراتی ایران به میزان ۲ تا ۳ برابر کاهش یافت و در مقابل، ارزش کالاهای وارداتی که با پول کشورهای بزرگ صنعتی وارد می‌شد، افزایش پیدا کرد (فوران، پیشین: ۳۷۲). روند نزولی ارزش واقعی صادرات محصولات خام کشاورزی و اجناس وابسته به آن در برابر افزایش قیمت اجناس ساخته‌شده وارداتی در دوران بحران اقتصادی بزرگ جهان با وجود توسعه نسبی صادرات، در کل نتوانست ارزش چندانی را برای اقتصاد عصر پهلوی به ارمغان بیاورد. مقایسه نرخ برخی اجناس صادراتی ایران در دوره قبل از جنگ اول با نرخ همان محصول بعد از پایان جنگ، این وضعیت را به‌خوبی نشان می‌دهد؛ برای نمونه، یک خروار پنبه صادراتی ایران در دوره قبل از جنگ جهانی اول در سال ۱۲۹۱ ش به‌طور متوسط ۹۴۰ قران بود، در حالی که در کاهش ارزش صادرات، شاهد افزایش دو تا سه برابری نرخ اجناس وارداتی در همان دوره زمانی هستیم. با وجود این،

همین محصول قیمتش بعد از جنگ در سال ۱۳۰۸ ش به ۷۹۵ قران رسید که در نتیجه، ارزش صادرات پنبه ایران نسبت به سال ۱۲۹۱ ش به نصف تقلیل یافته بود. این وضعیت موجب شد تا جایگاه ایران در دهه ۱۳۱۰ به عنوان کشوری حاشیه ای در نظام اقتصاد جهانی تثبیت شود (همان، ۳۷۳)؛ بنابراین، دولت ایران در ادامه بحران برای مقابله با پیامدهای شدید بحران اقتصادی، بر اساس اظهارات فروغی در مجلس، مبادرت به تصویب قانون انحصار تجارت خارجی کرد (اتاق تجارت، سال ۲، ش ۲۱، تیرماه ۱۳۱۰، ص ۲۹).

از سوی دیگر، اقدامات دولت رضاشاه در راستای تحقق نوسازی و تجدد، لزوم توسعه صنعتی را نیز به عنوان پیش فرضی اساسی برای تأمین نیازهای فنی و تکنیکی پروژه تجدد در کشور، دوچندان می کرد. این روند موجب نیاز هرچه بیشتر دولت به ارز می شد؛ اما به دلیل وضع بد محصولات کشاورزی و خام در بازارهای جهانی، تأمین ارز را برای انجام پروژه های بزرگ نوسازی مثل راه آهن سراسری، با مشکل اساسی مواجه کرده بود؛ بنابراین، کاستن از میزان واردات و سعی در تولید اقلام مورد نیاز پروژه تجدد در داخل کشور، عاقلانه ترین سیاست مقابله با معضل کمبود ارز و جلوگیری از خروج بی رویه آن از کشور به نظر می رسید. ایجاد محدودیت در کشت و صادرات تریاک که به دلیل فشارهای بین المللی و جهانی بود و عمده ترین محصول صادراتی ایران را تشکیل می داد، ضربه دیگری به پیکر صادرات کشور محسوب می شد؛ بنابراین، برای بهبود و افزایش صادرات کشور، ایجاد و توسعه صنایع در شرایط نوسازی و تجدد می توانست ضمن جلوگیری از واردات، بحران ارزی و کاهش ارزش پول کشور را نیز تسکین دهد. بدیهی بود که بدون دستیابی به صنعت و تولیدات صنایع امکان ترقی و رشد اقتصادی به وجود نمی آمد (اداره مالیه: راپورت ۱۶، ص ۱۴). توسعه صنایع و تحقق صنعتی سازی در کشور، امکان تولید کالاهایی را که از خارج وارد می شد و موجب برهم خوردن توازن تجاری کشور شده بود، فراهم می کرد. از سوی دیگر، توسعه صنعتی نه به قصد توسعه صادرات، بلکه به قصد ایجاد بازار برای فراورده های کشاورزی بود که به دلیل بحران ها و شرایط ناشی از اوضاع بعد از جنگ جهانی اول، با سقوط قیمت مواجه شد و همچنین صادرات آن ها عایدات چندانی را به کشور وارد نکرد. در شرایط توسعه صنعتی هم بازار برای فروش محصولات کشاورزی در داخل کشور ایجاد می شد و هم مانعی برای واردات اقلامی بود که می توانست در داخل کشور تولید شود (تعدیل واردات). توسعه صنعت از این دیدگاه

می‌توانست هم زمینه‌ای برای توسعه و ترویج کشاورزی باشد که قسمت عمده صادرات کشور از آن طریق بود و هم موجب توسعه صنعت حمل و نقل و راه‌سازی در کشور شود که شرط اساسی برای توسعه تجارت داخلی و خارجی بود (متین دفتری، ۱۳۰۴: ۳۸)؛ بنابراین، در چهارچوب حمایت از توسعه صنعتی باید قوانین حقوقی تشویقی و حمایتی کافی نیز از سوی دولت به تصویب می‌رسید که نیاز زمینه‌ای را برای طرح قانون انحصار تجارت خارجی در اسفند ۱۳۰۹ فراهم کرد.

همچنین یکی از دلایل اصلی توجه به موضوع صنعت، ناشی از علایق شخص رضاشاه بود. وی به تقلید از همتای ترکیه‌ای خود، در اولویت‌بندی بین کشاورزی و صنعت، دومی را ترجیح می‌داد (عیسوی، ۱۳۶۲: ۵۹۳). وی در صدد بود این علاقه به صنعت را در چهارچوب سیاست نوسازی و تجدید تحقق ببخشد؛ اما گام برداشتن در زمینه توسعه راه‌ها و احداث راه‌آهن، افزایش درآمدهای اقتصادی دولت با پی‌ریزی نظام اقتصادی مدرن، ایجاد راه‌آهن و استفاده از ماشین در صنعت حمل و نقل، زمانی امکان‌پذیر بود که از نظر صنعتی برخی مقدمات و زیربناها در کشور ایجاد شده باشد (همان).

۳. ایجاد زمینه‌ها و بسترهای قانونی در تحقق صنعتی‌سازی:

توسعه صنایع و تحقق صنعتی‌سازی در کشور مشروط به وجود اهرم‌های حمایتی و برطرف کردن موانع پیش روی آن بود؛ بنابراین، برای تحقق توسعه صنعتی، لزوم فراهم شدن ساختار حقوقی مستحکم و دقیق انکارناپذیر بود. دولت رضاشاه نیز از همان ابتدا به روش‌های مختلف سعی در چنین بسترسازی داشت. اجرای قانون «استعمال البسه وطنی» که در ۲۹ بهمن ۱۳۰۱ ش به تصویب رسیده بود و در اجرای آن تعلل و درنگ شده بود، از این دست اقدامات حمایتی بود؛ بنابراین، در ابتدا از نمایندگان مجلس و هیئت دولت خواسته شد تا البسه وطنی را استفاده کنند (اخگر، سال اول، ش ۲۸، ۳ آذر ۱۳۰۷). دو سال بعد، این قانون بر دیگر مستخدمین دولتی و محصلین مدارس نیز اجباری و الزامی شد (همان، سال دوم، ش ۳۲، ۸ اردیبهشت ۱۳۰۹). از دیگر قوانین مهمی که بر حمایت از صنایع تأکید داشت، قانون معافیت ماشین‌های صنعتی و فلاحی از تأدیه حقوق ورودی گمرکی تا ۱۰ سال بود که در سال ۱۳۰۳ در مجلس پنجم به تصویب رسید. همچنین دولت پهلوی در سال ۱۳۰۸ و در جریان تصویب قانون «تفتیش و نظارت در خرید و

فروش اسعار خارجی»، تسهیلاتی را به صورت اعطای ارز برای واردات ماشین آلات صنعتی به واردکنندگان قائل شد (اخگر، سال ۲، شماره ۴۵۷، ۱۹ آبان ۱۳۰۹). در پایان سال ۱۳۰۹ و در ۶ اسفند همان سال، بزرگترین حمایتی که دولت از مؤسسات صنعتی نمود، وضع و اجرای قانون انحصار تجارت بود که بر طبق این قانون، هر متاعی در مملکت زنده شد، به وجود آمد؛ یعنی به محض پیدایش مصنوع داخلی، از ورود مشابه آن فوراً جلوگیری خواهد شد تا آن کارخانه و مؤسسه بتواند از رقابت های خارجی مصون مانده و در توسعه و تمکین متاع خود کوشش وافی نماید (اتاق تجارت، ش ۵۹-۶۰، ۴ فروردین سال ۱۳۱۲، ص ۱۰)؛ بنابراین، دولت رضاشاه با فراهم کردن ساختار حقوقی لازم برای تحقق توسعه صنعتی، گام نهایی را در تکمیل چنین ساختاری با تصویب و اجرای قانون انحصار تجارت خارجی برداشت. بدین ترتیب در آغاز دهه بیست، ایجاد صنایع اساسی و توسعه آن ها از طریق فراهم کردن ساختار حقوقی لازم برای آن در دوران اولیه تکوین دولت مطلقه پهلوی آغاز شد (بشیری، پیشین: ۱۱۹).

در ۶ اسفند ۱۳۰۹ ش توسط رئیس اداره کل تجارت، لایحه انحصار تجارت خارجی دولت به مجلس ارائه و به تصویب رسید. تصویب این قانون در راستای تلاش هایی بود که دولت پهلوی با هدف مقابله با ابعاد بحران اقتصادی جهانی و نیز مقابله با برخی سیاست های تجاری همسایگان و حمایت از صنایع و روند صنعتی سازی کشور انجام می داد. اساس قانون انحصار تجارت خارجی بر انحصاری بودن نقش دولت در هدایت تجارت خارجی از طریق ایجاد نظام سهمیه بندی مخصوصی بود و ورود هرگونه کالا مشروط به صادر کردن محصولات داخلی کشور بود (معاونت خدمات مدیریت و اطلاع رسانی رئیس جمهور، ۱۳۸۰: ۱۵۵). دولت می توانست واردات محصولات را که خود نمی خواست مستقیماً وارد کند، از طریق جوازهای مخصوص به اشخاص یا شرکت ها واگذار کند. بر اساس این قانون، حتی ماشین آلاتی که برای رفع نیازهای مهم مملکت از محصولات و مصنوعات خارجی وارد می شود، به شرط اجازه مخصوص دولت مجاز بود و نیاز به صادر کردن محصولات ایرانی نداشت (همان، ۱۵۶). این ماده بیشترین تخفیف را نسبت به توسعه صنایع از طریق اشخاص یا شرکت ها قائل می شد و نوعی اهرم حمایتی یا تشویقی محسوب می گردید.

اجرای قانون انحصار تجارت خارجی با توجه به ماهیت محدودکننده آن در زمینه واردات اقلام خارجی، موجب بروز افزایش قیمت در بازار شد. تداوم این روند افزایش قیمت و رکودی

که به دنبال آن بر بازارها حاکم شد، برخی از تجار و فعالان بازار را به فکر سرمایه‌گذاری و احداث صنایع تولیدی در کشور انداخت. همین رویه موجب شد تا در همان ماه‌های نخست سال ۱۳۱۰، معدود صنایع و کارخانه‌های موجود کشور که در شرف تعطیلی و رکود قرار داشتند، دوباره به رونق برسند (اتاق تجارت، سال دوم، شماره ۲۰، خرداد ۱۳۱۰، ص ۱۲). کارخانه پشم‌ریسی قزوین و صنایع صابون‌سازی، نخ‌ریسی و چرم‌سازی تبریز، از جمله صنایعی بودند که بعد از اجرایی شدن قانون انحصار تجارت خارجی و محدود شدن واردات کالاهای مشابه، تولید آن‌ها جانی دوباره و در چرخه رونق و توسعه قرار گرفت (همان). با توجه به تقاضای روزافزون خرید انواع کالاهای مصرفی که قبلاً از خارج وارد می‌شد، فکر احداث و تأسیس صنایع مختلف در زمینه تولید انواع کالاهای مصرفی سبک در کشور مورد توجه تجار و صاحبان سرمایه‌های خصوصی در کشور قرار گرفت؛ بنابراین، قانون انحصار تجارت خارجی در ایجاد انگیزه و رغبت میان طبقه تجار و سرمایه‌دار در توجه به امر تأسیس صنایع و تلاش در رفع احتیاج از اجناس خارجی، نقشی اساسی داشت (همان). در گزارشی در سال ۱۳۱۲ از وضعیت صنایع در کشور و تأثیر قانون انحصار تجارت خارجی بر آن آمده است: «ما هر روز در مملکت مواجه با تأسیس یک کارخانه یا مؤسسه صنعتی می‌شویم و حال آنکه قبل از قانون انحصار و قبل از این توجهی که دولت کنونی به تجارت معطوف ساخته است، کسی جرئت نمی‌کرد اسم کارخانه یا مؤسسه صنعتی را ببرد» (همان، ش ۵۹-۶۰، ۴ فروردین سال ۱۳۱۲، ص ۱۰). بدین ترتیب، در همان اوایل، این قانون به قانونی تعبیر شد که تمام فعالیت‌های آن در محور ترقی نهضت صنعتی و فلاحی ایران دور می‌زد (اخگر، شماره ۵۳۶، ۲۷ اسفند ۱۳۰۹).

ب) آثار و نتایج صنعتی‌سازی ایران در عصر رضاشاه:

۱. گسترش و توسعه صنایع کوچک و بزرگ مصرفی:

با ورود سرمایه‌های خصوصی به حوزه صنایع در دهه ۱۳۱۰، سهم بخش خصوصی در احداث صنایع که تا سال ۱۳۱۰ کمتر از ۶۱ واحد صنعتی بود، تا پایان سال ۱۳۱۴ به بیش از ۱۵۶ واحد ترقی کرد. این سرمایه‌گذاری‌ها بیشتر مربوط به صنایعی مانند کبریت‌سازی، ریسندگی و بافندگی، صابون‌سازی، آجرپزی، چرم‌سازی، نخ‌ریسی، پنبه‌پاک‌کنی، توتون، سیگار و

شیشه‌گری می‌شد (اداره کل تجارت، ۱۳۱۴: ۱۶ و ۱۷). مستشار مالی انگلیس، مستر سهیوند، در گزارش مالی خود از ایران به اداره کل تجارت خارجی انگلستان، پیشرفت‌های شایان تأسیس صنایع جدید را در سایه وجود قانون انحصار تجارت خارجی دانسته بود (اتاق تجارت، شماره ۱۲۴، سال ۷ پانزدهم اول دی ۱۳۱۴، ص ۱۵). علاوه بر حمایت‌ها و تشویق‌هایی که دولت از طریق ایجاد انحصارات دولتی و بخشش‌های مالیاتی، حصارهای تعرفه‌ای و اعطای تسهیلات ارزان از ورود بخش خصوصی به فعالیت‌های صنعتی می‌کرد، خود نیز عهده‌دار احداث برخی صنایع بزرگ مانند ایجاد کارخانه سیمان، قند و شکر، چیت‌سازی، حریربافی و رنگرزی در سال‌های دهه ۱۳۱۰ بود (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۱۳۴). میزان مشارکت مستقیم دولت در زمینه ساخت و احداث صنایع دولتی در پایان سال ۱۳۱۴ حدود ۲۲ واحد صنعتی بود. با توجه به حجم سنگین واردات ایران در زمینه قند و شکر، انواع پارچه و چای که عمدتاً از کشورهای چون شوروی و انگلستان تأمین می‌شد، طبیعی بود که اقدامات اولیه در زمینه احداث صنایع در این امور تولیدی متمرکز باشد. انتخاب دو کالای قند و شکر به‌عنوان منبع تأمین هزینه‌های راه‌آهن سراسری کشور از طریق وضع عوارض بر واردات این اقلام، راه‌حل دیگری برای کاستن از حجم واردات و تشویق تولید داخلی در قسمت صنایع قند بود؛ همچنین ضرورت تأمین مصالح ساختمانی راه‌آهن سراسری به‌ویژه از نظر تأمین سیمان، این پروژه ایجاب می‌کرد که در کشور برای کاستن از حجم واردات، چند واحد کارخانه سیمان نیز احداث شود. طی سال‌های ۱۳۱۰-۱۳۲۰ بر اساس حمایت‌ها و تشویق‌های دولت از صنایع، حجم وسیعی از سرمایه‌گذاری‌های دولتی و خصوصی به سمت ساخت و احداث کارخانه‌های جدید برای تولید کالاهای مشابه وارداتی خارج معطوف شد؛ بنابراین، در سال ۱۳۱۱، برای نیل به اهداف تعریف‌شده در قانون انحصار تجارت خارجی، یک واحد کارخانه سیمان، دو واحد کارخانه قندسازی و یک واحد کارخانه چای در کشور احداث شد (اداره کل تجارت، ۱۳۱۴: ۱۵). در سال ۱۳۱۲، دو باب کارخانه قندسازی و در سال ۱۳۱۳ نیز چهار باب کارخانه قندسازی همراه با یک باب کارخانه حریربافی و پنج باب کارخانه چای‌سازی احداث شد.

دولت در راستای کاهش واردات سیمان که در سال ۱۳۱۴ حدود ۴ درصد کل واردات کشور را تشکیل می‌داد، اقدام به توسعه صنعت سیمان در کشور از طریق خرید دو واحد کارخانه سیمان کامل به ظرفیت روزانه ۱۰۰ تن و با هزینه ۳۰ میلیون ریال از کشور دانمارک کرد. نتیجه

مشارکت مستقیم دولت در امر توسعه صنایع در کشور موجب شد حدود ۲۰ درصد از بودجه کل دولت به این امر اختصاص داده شود (اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۹-۱۰، خرداد و تیر ۱۳۷۹، سال ۱۴، ص ۱۸۶). نتیجه سیاست‌های تشویقی و مشارکتی دولت در امر توسعه صنایع تا پایان سال ۱۳۱۳ بر روند تجارت خارجی بر اساس مقایسه‌های آماری این سال با سال ۱۳۰۸ که از نظر وضعیت واردات در موقعیت بحرانی قرار داشت، بدین شکل است:

مقایسه واردات اجناسی که تهیه آن‌ها در ایران ممکن است: در سال ۱۳۰۸ با سال اقتصادی ۱۳۱۳ (به هزار ریال)

نوع جنس	واردات ۱۳۰۸	واردات ۱۳۱۳	کسر واردات
آب‌های معدنی و شراب‌های طبی	۳۹۱۴	۱۱۴۴	۲۷۷۱
زغال سنگ	۲۳۲	-	۲۳۲
زغال چوب	۹۶۷	-	۹۶۷
برنج خوراکی	۶۱۷۱	-	۶۱۷۱
شکر	۲۴۷۸۶	۱۴۷۷۶	۱۰۰۱۰
قند	۹۱۲۳۸	۳۷۱۴۵	۵۴۰۹۳
البسه و اشیای دوخته	۹۶۷۹	۲۴۷۸	۷۲۰۱
جوال و گونی	۳۸۷۱	۱۸۹۳	۱۹۷۸
نخ‌های پنبه	۱۹۵۲۶	۵۲۶۰	۱۴۲۶۶
نخ قند و طناب	۱۳۷۰	-	۱۳۷۰
قلاب‌دوزی	۲۲۳۵	-	۲۲۳۵
مقال و ناشور	۹۱۷۰	-	۹۱۷۰
پارچه‌های پنبه	۱۵۴۶۶۱	۱۳۳۶۹۵	۲۰۹۶۶
منسوجات ابریشمی طبیعی و لوازم	۷۴۲۶	۴۸۳۲	۲۵۹۴
لوازم تدفین	۱۲۲۵	۹۲۵	۳۲۰
مبل	۷۳۶۸	۲۷۴۳	۴۶۲۵
اشیای چرمی	۳۷۷۴	-	۳۷۷۴
صابون	۲۹۴۶	-	۲۹۴۶
توتون و تنباکوی سیگارت	۵۰۱	-	۵۰۱
جمع	۳۵۱۰۸۱	۲۰۴۸۹۱	۱۴۶۱۹۰

منبع: اداره کل تجارت، پیشین، ص ۱۷

آمارهای فوق نشان دهنده کاهش محسوس واردات در زمینه قند و شکر، انواع پارچه و منسوجات و انواع نخ است. این کاهش در واردات انواع کالاهایی که بعد از سال ۱۳۱۰ تولید آن‌ها در داخل کشور امکان پذیر شده است، به بیش از پنجاه درصد می‌رسد.

در سال‌های ۱۳۱۴-۱۳۲۰ همچنان کشور شاهد احداث و توسعه صنایع بزرگ در حوزه‌های نظامی، نساجی، غذایی، کشاورزی، کنسروسازی، نوشابه، دخانیات، سیمان، کاغذ، شیشه، دارو و مواد شیمیایی بود. در سال ۱۳۲۰، تعداد واحدهای صنعتی فعال کشور به ۳۴۶ رسید. از این تعداد، ۲۰۰ واحد مربوط به صنایع کوچک بود؛ اما ۱۴۶ واحد دیگر شامل تأسیساتی بزرگ چون ۳۷ واحد نساجی، ۸ کارخانه قند، ۱۱ کارخانه کبریت‌سازی، ۸ کارخانه مواد شیمیایی، ۲ واحد شیشه‌گری و یک واحد توتون و تنباکوپاک‌کنی و ۵ کارخانه چای بودند. در نتیجه، تعداد کارگران شاغل در صنایع بزرگ جدید از ۱۰۰ نفر در سال ۱۳۰۴ به بیش از ۵۰۰۰۰ نفر در سال ۱۳۲۰ افزایش یافت (آبراهامیان، پیشین: ۱۳۴). بر اساس برآورد فلور بین سال‌های ۱۳۰۹-۱۳۲۰ که روند صنعتی شدن کشور به شدت ادامه داشت، حدود ۲۶۰ میلیون دلار در بخش صنایع و به همین اندازه در راه آهن بدون اتکا به سرمایه خارجی سرمایه‌گذاری شد (فلور، ۱۳۷۱: ۵۲). توسعه صنایع و ضرورت نظارت و مراقبت از صنایع داخلی کشور موجب شد که در ۸ مهر ماه ۱۳۱۶، با تصویب مجلس یازدهم همراه با تشکیل وزارت تجارت، وزارت صناعت نیز تشکیل شود. محمود جم، نخست‌وزیر وقت، در تقدیم لایحه فوق، گسترش امور تجاری و صنعتی را از علل اصلی ایجاد دو وزارتخانه جداگانه ذکر کرد؛ همچنین آقایان علاء و فرخ، وزرای پیشنهادی وزارت‌های تجارت و صناعت، به مجلس معرفی شدند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۱، جلسه ۶، ۸ مهر ۱۳۱۶).

جهت‌گیری تجاری کشور در زمینه توسعه صنعتی نیز تابعی از سیاست‌های خارجی دولت بود که در این دوره به سمت کشور آلمان گرایش یافته بود؛ بنابراین، در توسعه صنایع در کشور از سال ۱۳۱۰، آلمان بیشترین سهم را در تأمین ماشین‌آلات صنعتی ایران داشت. انگلستان، شریک سنتی و قدیمی ایران در تجارت، تنها تا سال ۱۳۱۰ و سال‌های قبل از آن نقش اصلی را در تأمین نیازهای صنعتی ایران داشت؛ ولی بعد از آن این آلمان بود که هدایت و تأمین نیازهای صنعتی دولت رضاشاه را انجام می‌داد. آلمان در سال ۱۳۱۱ با اختصاص ۱۱۶ میلیون ریال از

صادرات ماشین‌آلات صنعتی به ایران، رتبه اول را داشت. این کشور همچنان در سال‌های بعد نیز اصلی‌ترین کشور تأمین‌کننده نیازهای صنعتی‌سازی ایران به‌شمار می‌رفت؛ البته کشورهایی چون شوروی و چکسلواکی نیز در این روند نقش داشتند که میزان مشارکت آن‌ها به نسبت آلمان بسیار ناچیز بود (اداره کل تجارت، ۱۳۱۶-۱۳۱۷: ۶). این تغییر در سمت‌گیری توسعه صنعتی ایران از انگلستان به سوی آلمان، ناشی از قدرتی بود که دولت بعد از اجرای قانون انحصار تجارت خارجی و به کمک تغییر سیاست خارجی کشور در تجارت خارجی ایران پدید آورده بود.

۲. توسعه صنعتی و تأثیر آن در تراز تجاری کشور:

بررسی حجم کلی واردات ماشین‌آلات صنعتی به کشور می‌تواند روند صنعتی‌سازی را به نسبت اتخاذ سیاست‌های حمایتی از سوی دولت به‌خصوص قانون انحصار تجارت خارجی، نمایان کند. در سال ۱۳۰۹ که هنوز قانون مزبور تصویب و به اجرا نرسیده بود، کل واردات ماشین‌آلات از خارج رقمی حدود ۱۸۳۸ تن و به ارزش تقریبی بیش از ۹ میلیون ریال بود؛ اما از سال ۱۳۱۰ و به دنبال تصویب این قانون و با توجه به مشوق‌های ایجاد شده، میزان واردات ماشین‌آلات افزایش یافت که نشان از صعود تقاضا برای این اقلام هم از سوی اشخاص حقیقی و هم از سوی دولت بود. در سال اول اجرای قانون انحصار در سال ۱۳۱۰، حدود ۵۷۷۸ تن اقلام صنعتی به ارزش تقریبی ۲۹ میلیون ریال وارد کشور شد (وزارت دارایی، ۱۳۱۸: ۱).

روند صعودی ورود ماشین‌آلات صنعتی همچنان تا سال ۱۳۱۷ ادامه داشت که در پایان سال ۱۳۱۶، این واردات به حدود بیش از ۱۳ هزار تن و به ارزش ۹۶/۵ میلیون ریال رسید. این در حالی بود که کل واردات کشور در این سال حدود ۹۷۰ میلیون ریال در برابر ۶۷۱ میلیون صادرات بود که تقریباً نزدیک به ۱۰ درصد کل واردات را ماشین‌آلات صنعتی و متعلقات آن تشکیل می‌دادند. در سال ۱۳۱۶ هنوز از نظر توازن تجاری، اختلافی ۳۰۰ میلیون ریالی بین صادرات و واردات کشور وجود داشت که این تفاوت مربوط به افزایش واردات کشور بود که به نظر می‌رسد سهم واردات ماشین‌آلات صنعتی در آن چندان پایین نیست (همان).

از نظر وضعیت کلی توازن تجاری کشور، مسئله مهم این بود که با وجود تأکید قانون انحصار تجارت خارجی بر بهبود موازنه تجاری و افزایش صادرات، عملاً تا سال ۱۳۱۸

هیچ گونه اثری از افزایش صادرات نسبت به واردات دیده نمی شود و این نبود توازن تجاری همچنان در تجارت خارجی کشور به چشم می خورد. در سال اقتصادی ۱۳۱۶-۱۳۱۷ به دلیل روند رو به تزاید واردات، به خصوص از نظر ماشین آلات صنعتی و لوازم راه آهن سراسری و به طور کلی موادی که برای ایجاد و تکمیل صنایع و تولید صنعتی به کار می روند، میزان کسری تجاری کشور از ۱۲ درصد سال اقتصادی ۱۳۱۵-۱۳۱۶ به بیش از ۱۸ درصد در این سال رسید (نامه بازرگان، شماره ۲۱-۲۲، دی و بهمن ۱۳۱۸، ص ۲۰). در سال ۱۳۱۸ برای اولین بار تجارت خارجی کشور از نظر صادرات توانست بر واردات پیشی بگیرد. در این سال، سهم صادرات کل در تجارت خارجی رقمی نزدیک به ۸۰۴ میلیون ریال در برابر ۶۱۲ میلیون واردات بود؛ البته بدون در نظر گرفتن رقم واردات معاف از حقوق گمرکی به ارزش تقریبی ۴۵۷ میلیون ریال که با جمع آن رقم واقعی واردات به بیش از یک میلیارد ریال می رسد. در این سال، سهم ماشین آلات صنعتی نیز از بین واردات کاسته شده و به ۲۱۸۸ تن به ارزش بیش از ۳۰ میلیون ریال رسید (وزارت دارایی، ۱۳۱۸: ۱).

این وضعیت با تغییرات جزئی در میزان واردات ماشین آلات صنعتی در دو سال آخر سلطنت رضاشاه همچنان در تجارت خارجی کشور دیده می شود (سال ۱۳۱۹، واردات ماشین آلات ۳۳ میلیون ریال و سال ۱۳۲۰، این رقم به ۴۶ میلیون ریال رسید)، در حالی که تجارت خارجی کشور همچنان روند مثبت تراز تجاری را تجربه می کرد و شاهد افزایش صادرات بر واردات بود (وزارت دارایی، ۱۳۲۰: ۱). به نظر می رسد سیاست توسعه صنایع در ایران که از اوایل دهه ۱۳۱۰ به دنبال ضرورت های ناشی از نبود توازن تجاری و فشارهای بحران اقتصادی جهانی با جدیت دنبال شد تا با جایگزینی واردات با کالاهای ساخت صنایع داخلی مانع از گسترش این بحران در کشور شود، در عمل نتوانست مشکل اساسی کاهش صادرات در برابر واردات را حل کند یا آن را اندکی کاهش دهد؛ علاوه بر این، توسعه صنعتی مورد بحث نتوانست با قرار گرفتن در بخش کشاورزی که اصلی ترین فعالیت و اساس اقتصاد کشور را تشکیل می داد، به روند بهبود و افزایش فراورده های کشاورزی کمکی کند. این در حالی بود که محصولات کشاورزی اصلی ترین صادرات کشور را تشکیل می دادند؛ بنابراین، غفلت از تسری سیاست صنعتی سازی به بخش کشاورزی که در آن دوره زمانی مهم ترین رکن اقتصاد ایران را تشکیل می داد، بزرگ ترین اشتباه و ناکارآمدی در ارزیابی سیاست صنعتی سازی ایران در دوره رضاشاه است.

جمع‌بندی:

در شرایط ناشی از رکود در بازار محصولات خام کشاورزی و کاهش درآمدهای ارزی کشور، دولت پهلوی اول در صدد اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های نوسازی و تجدید در ایران بود که این برنامه‌ها نیازمند منابع ارزی فراوان بود. این در حالی بود که وضعیت تجاری کشور به دلیل ناتوانی زیرساخت‌های اقتصادی، توانایی تأمین منابع ارزی را نداشت. یکی از راه‌های اصلی در مقابله با وضع نبود توازن تجاری، جلوگیری از واردات اقلام و محصولات خارجی و سعی در تولید این نوع محصولات در داخل کشور بود که البته بدون دخالت و هدایت دولت از طریق ایجاد بسترهای حقوقی و قانونی لازم، امکان‌پذیر نبود. تصویب قوانین حمایتی از تولیدات داخلی و صنعتی نظیر قانون انحصار تجارت خارجی در راستای تحقق چنین هدفی بود تا ضمن حمایت از ایجاد صنایع و کارخانه‌های متعدد در کشور، از واردات بیشتر جلوگیری و مانع از خروج بیشتر ارز از کشور شود؛ اما اجرای این قوانین حمایتی نیز در عمل به دلیل ماهیت وارداتی ماشین‌آلات و قطعات فنی لازم برای احداث صنایع، موجب بیشتر شدن نبود توازن تجاری به نفع واردات در کشور شد. این نبود توازن تجاری تا پایان سال ۱۳۱۸ همچنان در تجارت خارجی ایران به چشم می‌خورد و از این نظر می‌توان گفت که سیاست صنعتی‌سازی ایران با وجود قوانین حمایتی سختگیرانه دولت و موفقیت نسبی در توسعه صنایع و تحقق صنعتی‌سازی ایران، از نظر ایجاد تعادل تجاری بین صادرات و واردات حداقل تا سال ۱۳۱۸ نتوانست موفقیت‌چندانی را به‌دست آورد؛ اما بعد از آن توانست توازن تجاری نسبی در تجارت خارجی و سبقت صادرات بر واردات را به‌صورت خفیف موجب شود؛ همچنین مهم‌ترین نقطه‌ضعف سیاست صنعتی‌سازی ایران با وجود قوانین حمایتی مهمی چون قانون انحصار تجارت خارجی، نادیده گرفتن بخش اقتصاد کشاورزی از دایره توسعه صنعتی بود که با توجه به اهمیت و رکن مهم تولیدات کشاورزی در تجارت خارجی ایران، در آن سال‌ها ضربه بزرگ و جبران‌ناپذیری بر روند کلی توسعه اقتصادی کشور وارد کرد که زمینه وابستگی ایران به محصولات کشاورزی و ضعف این بخش از اقتصاد کشور را برای سال‌های بعدی فراهم نمود؛ اما نکته مهم در امر توسعه صنعتی که باید در نظر داشت، مسئله حصول به نتایج سیاست‌های توسعه صنعتی در درازمدت است که این امر در مورد دولت رضاشاه که در شهریور ۱۳۲۰ به دلیل تجاوز ارتش‌های انگلستان و اتحاد شوروی در جریان جنگ جهانی دوم از هم پاشید،

نتوانست محقق شود. شکی نیست شرط اصلی و مهم در امر توسعه، چه صنعتی و چه سیاسی و فرهنگی و اقتصادی، تداوم آن در درازمدت و دوری از بحران های سیاسی، اقتصادی و نظامی است که در صورت فراهم بودن چنین شرایطی می توان از محقق یا محقق نشدن امر توسعه صحبت کرد و این امر در مورد دولت رضاشاه و پهلوی اول، اتفاق نیفتاد و در نتیجه، سیاست صنعتی سازی ناقص ماند.

فهرست منابع

الف. کتاب‌ها:

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۸)، «ایران بین دو انقلاب؛ از مشروطه تا انقلاب اسلامی»، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری، محسن مدیر شانه‌چی، تهران: نشر مرکز.
- بشیری، حسین (۱۳۸۰)، «موانع توسعه سیاسی در ایران»، تهران: نشر گام نو.
- تایپتون، فرانک و الدریچ، رابرت (۱۳۷۵)، «تاریخ اقتصادی و اجتماعی اروپا»، ترجمه کریم میرحیاتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲)، «تاریخ اقتصادی ایران؛ عصر قاجار ۱۲۱۵-۱۳۳۲ ه.ق»، ترجمه دکتر یعقوب آژند، تهران: نشر گستره.
- فلور، ویلم (۱۳۷۱)، «صنعتی شدن ایران و شورش شیخ احمد مدنی»، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: نشر طوس.
- فوران، جان (۱۳۸۳)، «مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی»، ترجمه احمد تدین، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۷۲)، «اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی»، جلد اول، ترجمه محمدرضا نفیسی، تهران: نشر مرکز.
- گالبرایت، جان کنت (۱۳۸۰)، «سیری در اقتصاد معاصر»، ترجمه عباس قانع نصیری و محسن قانع نصیری، تهران: نشر فرزاد.
- متین دفتری، احمد (۱۳۰۴)، «استقلال اقتصادی ایران»، تهران: مطبعه مجلس.
- معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور (۱۳۸۰)، «اسنادی از ارز و انحصار تجارت خارجی در دوره رضاشاه (۱۳۰۵-۱۳۱۱)»، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ب. گزارش‌های آماری و اقتصادی:

- اداره کل تجارت، احصائیه تجارتی سال اقتصادی ۱۳۱۴ (اول تیر ۱۳۱۳ - آخر خرداد ۱۳۱۴) مطابق ۲۲ ژوئن ۱۹۳۴ - ۲۱ ژوئن ۱۹۳۵، تهران: مطبعه ایران.

- اداره کل گمرکات، احصائیه تجارتی ایران، مجموعه تجارت عمومی ایران با ممالک خارجه در سال اقتصادی (اول تیر ۱۳۱۰ - ۳۱ خرداد ۱۳۱۲، مطابق با ۲۳ ژوئن ۱۹۳۱ - ۲۱ ژوئن ۱۹۳۲)، تهران: چاپخانه فردوسی، ۱۳۱۱.
- اداره کل گمرکات، احصائیه تجارتی ایران، مجموعه تجارت عمومی ایران با ممالک خارجه در سال اقتصادی (اول تیر ۱۳۱۱ - ۳۱ خرداد ۱۳۱۲، مطابق با ۲۲ ژوئن ۱۹۳۲ - ۲۱ ژوئن ۱۹۳۳)، تهران: مطبعه اطلاعات، ۱۳۱۳.
- وزارت دارایی، اداره کل گمرک، آمار تجارتی کشور شاهنشاهی ایران با کشورهای بیگانه در سال اقتصادی ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷، اول تیر ۱۳۱۶ - ۳۱ خرداد ۱۳۱۷، تهران: چاپخانه فردین و برادر.
- وزارت دارایی، اداره کل گمرک، آمار تجارتی کشور شاهنشاهی ایران با کشورهای خارجی در سال ۱۳۱۸، تهران: چاپخانه فاروس.
- وزارت دارایی، اداره کل گمرک، آمار بازرگانی ایران با کشورهای خارجه در سال ۱۳۲۰، تهران: چاپخانه فاروس.
- وزارت مالیه، سیزدهمین راپورت رئیس کل مالیه ایران راجع به سه ماهه مهرماه، آبان ماه و آذر ماه ۱۳۰۴، مطابق ۲۳ سپتامبر تا ۲۱ دسامبر ۱۹۲۵، تهران: مطبعه مجلس.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۱، جلسه ۶، هشتم مهر ۱۳۱۶، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

ت. روزنامه ها و نشریات ادواری:

- اتاق تجارت، سال ۲، شماره ۲۱، تیر ماه ۱۳۱۰.
- اتاق تجارت، سال ۲، شماره ۲۱، ۲۰ خرداد ۱۳۱۰.
- اتاق تجارت، سال ۳، شماره ۳۳-۳۴، سوم اسفند ۱۳۱۰.
- اتاق تجارت، سال ۴، شماره ۵۹-۶۰، چهارم فروردین ۱۳۱۲.
- اتاق تجارت، سال ۷، شماره ۱۲۴، اول دی ۱۳۱۴.
- اخگر، سال اول، شماره ۲۸، دوم آذر ۱۳۰۷.
- اخگر، سال دوم، شماره ۳۲، هشتم اردیبهشت ۱۳۰۹.

- اخگر، سال دوم، شماره ۴۵، نوزدهم آبان ۱۳۰۹.
- اخگر، سال دوم، شماره ۵۳۶، بیست و هفتم اسفند ۱۳۰۹.
- فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران، دانشگاه الزهراء، سال ۲۱، شماره ۱۱ دوره جدید، پاییز ۱۳۹۰
- نامه بازرگان، شماره ۲۱-۲۲، دی - بهمن ۱۳۱۸.